

## پایش اندیشه:

در این شماره از پایش، مهمان حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا سالاری فر، عضو هیأت علمی و استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشکده حوزه و دانشگاه بودیم. تالیفات مختلفی از ایشان در زمینه روان‌شناسی و خانواده به چاپ رسیده است؛ از جمله نظام خانواده در اسلام و خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی.

آنچه در ادامه می‌خوانید، مصاحبه‌ی پایش با جناب سالاری فر در موضوع «همسرآزاری» است که موضوعات مختلفی از جمله «مصادیق همسرآزاری»، «دیدگاه اسلام در مورد تنبیه همسر»، «علل و زمینه‌های بروز این پدیده»، «نقش رسانه‌ها در ترویج خشونت»، «راهکارهای فرهنگی و دینی برای پیشگیری و مقابله با آن» و... در آن مورد توجه قرار گرفته است.

**پایش: لطفاً مقدمه‌ای راجع به محورهای این بحث در رابطه با موضوع همسرآزاری، آسیب‌شناسی و راهکارهای آن و در انتها، علل به‌وجود آمدن آن، بفرمایید:**

بحث همسران و زندگی آنان که باید توأم با مودت، رحمت، عشق و کمک به یکدیگر باشد یک بحث مهم است. اگر این موارد در زندگی زوجین نباشد و آزار و خشونت جایگزین آن شود، خانواده به هدف اصلی ازدواج نرسیده است و خانواده ممکن است ظاهراً با یکدیگر زندگی کنند؛ ولی آن آرامشی که هدف از ازدواج بوده را به‌دست نیاورده باشند. این موضوع یک موضوع کلیدی است که باید روی آن کار شود و اگر در خانواده‌ای باشد، باید ریشه‌یابی و درمان شود و الا این خانواده احساس ناکامی می‌کند و در پی این احساس ناکامی، خطرات روانی و رفتاری بسیاری ممکن است بروز کند.

**پایش: موارد مختلف همسرآزاری چیست و به چه صورت می‌تواند باشد؟**

پایین‌ترین مرحله همسرآزاری، بحث رفتاری-روانی است؛ به این معنا که رفتار فرد، به‌گونه‌ای است که همسرش را ناراحت می‌کند و گفتارش به‌صورتی است که به همسرش از نظر روانی آزار می‌رساند. سخنی می‌گوید و یا حرکتی انجام می‌دهد که فرد می‌رنجد. مورد شدیدتر همسرآزاری، بحث همسرآزاری جسمی است که ممکن است با وسیله‌ای یا با اعضای بدن، به او آسیب برساند. آزارهای حقوقی نیز یکی دیگر از موارد همسرآزاری است؛ یعنی فرد حقوق همسر را ضایع و او را تأمین نکند. ایجاد محدودیت‌ها نیز یک نوع آزار است؛ چه از سوی زن باشد و چه از سوی مرد؛ یعنی رفتار یک طرف به‌شکلی است که مرد یا زن احساس می‌کنند که طرف مقابل او را محدود کرده است و آزادی‌های مشروع و معقول‌اش را گرفته است. مثلاً مرد اجازه رفت و آمد به خانه اقوام را به زن ندهد و از این طریق او را آزار دهد و یا زن بعضی از تفریحات سالم مرد را محدود کند. این موارد، بعضی از مصادیقی است که در مورد همسرآزاری می‌توان برشمرد.

**پایش: دیدگاه اسلام در مورد تنبیه همسر و رابطه آن با همسرآزاری به چه صورت است؟ می‌توان این مسئله را توجیه کرد یا خیر؟**

وقتی ما بستر نزول آیات را تحلیل کنیم، خصوصاً آیه ۳۱ سوره نساء که در مورد مسئله ضرب است، درمی‌یابیم که در آن زمان، خشونت فیزیکی و ضرب و شتم زن وجود داشته است. آیه‌ای که بحث ضرب را مطرح می‌کند، شرایطی را برای ضرب تعیین می‌کند که این شرایط به‌قدری برای زدن محدودیت ایجاد می‌کند که می‌توان آن را در حد نزدن محسوب کرد. نکته اول اینکه این آیه از قرآن، سه مرحله را بیان می‌کند: مرحله اول: نصیحت، مرحله دوم: قهر و مرحله سوم: زدن. در فقه اسلامی، همه علما اتفاق دارند که این زدن است که نباید سرخ و سیاه شود، نباید زخم شود و نباید شکستی به‌وجود آورد. نکته دوم اینکه زدن به قصد انتقام و کینه نباشد. حال با تمام این شرایط می‌توان ادعا کرد که این نوع از زدن یک نوع آزار تنبیه‌بخش و بیدارکننده است. طبیعی است که اگر کسی این قیود رعایت نکند، غیر قابل پذیرش و حرام است. بنابراین آن تنبیهی که در آیه قرآن از آن سخن گفته شده است، بیشتر برای بیداری و آگاهی‌بخشی است و زدن است که بیشتر به شوک روان‌شناختی شبیه است تا ضربه و تنبیه بدنی. بنابراین در روایات متعددی این زدن به شدت مزمت شده است و عذاب‌های اخروی شدیدی را متوجه چنین مردانی ساخته است. اگر بخوایم روح اسلام را نسبت به این موضوع بیان کنیم، باید سخنان پیامبر ﷺ و احکام فقهی اسلام را ملاحظه کنیم که از مجموع این‌ها به‌دست می‌آید که خشونت و آزار پذیرفته نشده و آنچه که گفته شده تنها راهکاری است برای مواردی که در آن مخالفت و ناسازگاری زن خیلی شدید است.

**پایش: عکس‌العمل‌ها در مورد این پدیده در بین زوجین چیست؟ یعنی چه عکس‌العمل‌هایی را خود زوجین در مورد همسرآزاری بروز می‌دهند؟**

در رابطه با اینکه در مقابل آزار، پیامدها و عکس‌العمل‌ها چه می‌تواند باشد، نسبت به شدت آزار که بدنی و یا روانی باشد، متفاوت است. کم‌ترین

آن تنبیهی که در آیه قرآن از آن سخن گفته شده است، بیشتر برای بیداری و آگاهی بخشی است و زدن است که بیشتر به شوک روان شناختی شبیه است تا ضربه و تنبیه بدنی. بنابراین در روایات متعددی این زدن به شدت مزمت شده است و عذاب‌های اخروی شدیدی را متوجه چنین مردانی ساخته است. اگر بخواهیم روح اسلام را نسبت به این موضوع بیان کنیم، باید سخنان پیامبر ﷺ و احکام فقهی اسلام را ملاحظه کنیم که از مجموع این‌ها به دست می‌آید که خشونت و آزار پذیرفته نشده و آنچه که گفته شده تنها راهکاری است برای مواردی که در آن مخالفت و ناسازگاری زن خیلی شدید است.

چیزی که می‌توان بیان کرد، احساس ناکامی، شکست و ضربه عاطفی است. حال وقتی فردی سرخورده باشد، طبیعتاً نسبت به سایر وظایفی که در خانواده دارد، دلسرد می‌شود و اگر هم انجام بدهد با نشاط و روحیه انجام نمی‌دهد. بنابراین این کم‌ترین آثاری است که آزار می‌تواند داشته باشد. اگر این آزارها شدت پیدا کند، با بحث‌هایی مثل خیانت زناشویی و گاه همسرکشی که حالت شدید آن است مواجه می‌شویم. بنابراین به‌طور کلی این رفتار، آثار نظام ارتباطی زن و شوهر را تضعیف می‌کند و طلاق، جدایی عاطفی و خطرات دیگر را به‌وجود می‌آورد.

**پایش: به نظر شما چه علل و زمینه‌هایی باعث بروز پدیده همسرآزاری می‌شود؟**

اولین علت آن می‌تواند به جنبه‌های شخصیتی بازگردد. یک فرد، زن یا مرد، بیمار است و مشکلات روانی و شخصیتی دارد. یک درجه پایین‌تر از مسئله شخصیت، بحث‌های روانی است به این عنوان که مهار خشم فرد در دست خودش نیست. ممکن است خشم خودش را مهار کند، هیجاناتش را کنترل کند، اما در انفجار حالت خشم

چنین نباشد که ریشه بخشی از این‌ها ممکن است به مسائل روانی بازگردد. بخشی از آن نیز ممکن است فرهنگی باشد؛ یعنی در برخی فرهنگ‌ها این مسئله کاملاً عادی است و آزار و خشونت را طبیعی تلقی می‌کنند. البته غیر از این علل، می‌توان بحث‌های قانونی را نیز دخیل دانست؛ به این معنا که گاهی قانون نمی‌تواند کاری کند و فرد مقابل به آزار دست می‌زند تا مشکل خود را حل کند. بنابراین مجموعه‌ای از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و روان شناختی می‌تواند در این موضوع تأثیرگذار باشد.

**پایش: نقش رسانه و فیلم‌ها با محتوای خشونت در بروز همسرآزاری چگونه است؟ و چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟**

این مقوله‌ها بسیار تأثیر دارند. در روان‌شناسی آمده است که یادگیری مشاهده‌ای، نقش بسیار مؤثری در یادگیری دارد که گاهی اوقات باعث یادگیری نهفته می‌شود؛ به این معنا که فردی رفتاری را می‌آموزد و ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها همین رفتار را مرتکب شود. بنابراین فیلم‌ها و برنامه‌های خشونت‌آمیز قطعاً بر روی افراد تأثیر می‌گذارند. اینکه برخی مدعی‌اند که مراقب تأثیر این‌گونه فیلم‌ها هستند و چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد، سخن بیهوده‌ای است. آنان نمی‌توانند مراقب باشند و در ناخودآگاه ذهن‌شان چنین الگویی شکل می‌گیرد و احتمال ارتکاب آن رفتار زیاد است. تحقیقات روان‌شناسی نشان داده است که مشاهده برنامه‌های با خشونت و پرخاش‌گری، پرخاش‌گری را افزایش می‌دهند.

**پایش: چه راهکارهای فرهنگی و دینی را می‌توانیم برای مقابله با این پدیده ارائه دهیم؟**

اولین راه، مشخص کردن حقوق متقابل برای زن و شوهر است و اینکه هر کدام نسبت به حقی که وجود دارد وظیفه‌ای دارند. نکته دوم که نکته مهمی است این است که باید راه‌های حل مشکلات زندگی و راه‌های حل اختلاف را آموزش دهیم. دین اسلام در این



زمینه نکات خیلی ظریفی دارد.

نکته بعدی این است که جایگاه زن و شوهر را از لحاظ دینی روشن کنیم. این موضوع باعث می‌شود که بسیاری از اختلافات و در نتیجه زمینه آزارها از بین برود. بحث اخلاق اسلامی را ترویج کنیم و تبیین کنیم که در دین، مهم‌ترین چیز اخلاق است و تازه در اخلاق هم، اخلاق در خانواده شاخص ایمان فرد است. بنابراین فرد برای داشتن ایمانی قوی‌تر سعی می‌کند که اخلاق بهتری در خانواده داشته باشد و این برای پیشگیری و مقابله با بحث آزار، بسیار تاثیرگذار است. بحث حضور خدا مهم است بعضی از اعتقادات مثل این که

خداوند ناظر بر انسان است بحث اعتقادی معادباوری که قیامت باوری چه تاثیراتی می‌تواند داشته باشد و این که فشار قبر در اثر آزار همسر ممکن است اتفاق بیفتد. این‌ها همه آموزه‌هایی است که اگر تقویت و زیاد اعلام شود میزان آزار کاهش پیدا می‌کند.

### **پایش: مهارت‌های مقابله با همسر آزاری برای فردی که آزار دیده، چه چیزهایی می‌تواند باشد؟**

مهارت‌ها در درجه اول، بازسازی خود فرد است؛ یعنی فرد بعد از آزار، بتواند شخصیت خویش را بازسازی کند. این اولین مهارت بسیار مهم است.



نکته‌ای کلیدی به‌شمار می‌رود. البته ما معمولاً توصیه می‌کنیم که برخوردهای حقوقی در آخرین مراحل و وقتی که راه‌های دیگر تأثیرگذار نباشد انجام شود.

نکته بعد، مهارت استفاده از بزرگان فامیل برای متقاعد کردن همسر به عدم آزار است.

نکته بعد، آبروریزی نکردن است؛ یعنی آبروی همسرش را نبرد. باید این مهارت را بیاموزد که کجا درد و دل کند و در عین حال، رازش را حفظ کند.

این‌ها مهارت‌هایی است که باید در مقابله با همسرآزاری یاد بگیرند و مرد نیز آن‌ها را آموزش دیده باشد.

**پایش: باتوجه به مورد قوانینی که راجع به بحث همسر**

مهارت دوم: بخشش است. زن آزاردیده وقتی احساس کرد که همسر او پشیمان است، مهارت بخشیدن وی را داشته باشد و کینه همسرش را برای سال‌ها یا ماه‌ها در دل نگه ندارد و دوباره آن را زنده نکند. این نیز مهارت مهمی است.

مهارت سوم: مهارت پیشگیری است. به این معنا که چه زمینه‌هایی باعث بروز خشم مرد و بروز همسرآزاری از جانب وی می‌شود و این زمینه‌ها را مراقب باشد و پیشگیری از این آسیب داشته باشد.

مسئله بعدی این است که چگونه با همسر خود صحبت کند و چگونه احساس خود را به همسر منتقل کند؛ یعنی آزاری را که می‌بیند برای همسرش بگوید تا در واقع همدلی همسرش را برانگیزد. به عبارت دیگر مهارت برانگیختن همدلی را یاد بگیرد.

مسئله بعدی، آموزش برخورد حقوقی با این موضوع است که

## آزاری است، به نظر شما مسائل موجود در رابطه با پیگیری و مقابله با این پدیده چگونه است و شما آن را چگونه ارزیابی می‌کنید و خلاءهای قانونی در این رابطه چیست؟

قبل از پاسخ به سوال شما اعتقادی دارم که آن را بیان می‌کنم. معتقدم که راه‌حل بحث همسرآزاری، در قانون نیست و مجامع و مراکز حقوقی، راه‌حل این مشکل نیستند. بنابراین احساس می‌کنم که نباید خیلی در این مقوله غرق شویم و سعی نکنیم تنها از راه قوانین مشکل را حل کنیم. قوانین موجود خلاءهایی دارند؛ مثلاً اینکه اثبات بسیاری از آزارها ممکن نیست، دیوار خانواده این‌قدر بلند است و خانواده آن‌قدر مخفی‌ای است که بسیاری از آزارها قابل پیگیری قانونی نیستند. برخی از آزارها روانی است و برخی از آزارهای جسمی به‌گونه‌ای است که اساساً قابل پیگیری نیست. بنابراین در این زمینه، قانون محدودیت دارد. نکته‌ای که درباره قانون وجود دارد این است که اگر اشکال قوانین موجود را در کمبود حمایت از زن عنوان کنیم، باید به روشی با این‌گونه مقابله کنیم که نهاد خانواده را متزلزل نکنیم. نباید آزادی خانواده سلب شود و احساس کند که قانون در حریم خصوصی او وارد شده است. بنابراین اصولاً جواب این سوال این است که اولاً بنده مشکل را قانونی نمی‌بینم؛ احساس می‌کنم که در ایران، برخی از مشکلات مربوط به حوزه زناشویی است و بحث‌هایی که در زمینه مهریه یا حق طلاق که مربوط به مردان است، در مواردی مشکل‌آفرین است. حتی ممکن است درباره این موارد در

**اولین راه، مشخص کردن حقوق متقابل برای زن و شوهر است و اینکه هر کدام نسبت به حقی که وجود دارد وظیفه‌ای دارند. نکته دوم که نکته مهمی است این است که باید راه‌های حل مشکلات زندگی و راه‌های حل اختلاف را آموزش دهیم. دین اسلام در این زمینه نکات خیلی ظریفی دارد.**

ایران نسبت به کشورهای دیگر بیشتر حق‌کشی رخ دهد و احساس می‌کنم که این مشکل مربوط به مشکلات قانونی زنان در بحث طلاق است و اینکه در موارد متعددی، قانون هیچ راهی برای زنی که دچار آزار می‌شود و مرد حاضر به طلاق دادن او نیست در نظر نگرفته است.

## پایش: نحوه مواجهه کشورهای دیگر با بحث همسرآزاری و شیوه‌های مقابله آنان با این پدیده به چه صورت است؟

در کشورهای دیگر، قوانین از این بحث حمایت می‌کند و حتی به نوعی جایگاه مرد را تضعیف می‌کند و به‌طور کلی سعی می‌کنند حق و حقوق زیادی به زن بدهند و ابزارهای قانونی زیادی در اختیار وی قرار گیرد. این یک راه‌حل برای این موضوع است.

مواجهه دیگر، بحث قوانینی که برای حمایت از زن در کشورهای دیگر وضع می‌شوند. همچنین در بحث توانمندسازی زنان تلاش می‌کنند. نکته بعدی، آموزش مهارت‌هاست که از این طریق درصد پایین آوردن درصد آزار و خشونت‌اند. در مجموع می‌توان گفت که در کشورهای دیگر، این مردان‌اند که شاید بیشتر ضرر کنند.

## پایش: در بحث طلاق، آیا آمار وجود دارد که چند درصد از طلاق‌ها وابسته به همسرآزاری است؟

اگر همسرآزاری را یک مفهوم عام در نظر بگیریم، بی‌شک بسیاری از طلاق‌ها مربوط به همسرآزاری است. آمارها نیز از خود مفهوم ناسازگاری به‌دست می‌آید؛ یعنی وقتی می‌گویند اولین عامل جدایی‌ها به ناسازگاری زن و شوهر برمی‌گردد و این ناسازگاری که عامل اول است قطعاً زمینه‌ساز آزار را فراهم می‌کند. پس ما می‌توانیم بگوییم آمار بالا به بحث همسرآزاری برمی‌گردد. البته اگر ما همسرآزاری را به خشونت تعبیر کنیم، به نظر بنده این‌گونه نیست و آمارش آن‌قدر بالا نمی‌شود. در هر صورت، تحقیقاتی که در مورد طلاق صورت گرفته است، مشخص می‌کند که عوامل آن چیست و یکی از عوامل آن خشونت است. البته این مسئله نیازمند یک فراتحلیل است که باید انجام شود.